

## یک پایگاه روسی زبان: همکاری ایران و روسیه در خزر موجب تغییر اوضاع ژئوپلیتیکی نمی شود

به نوشته یک پایگاه اینترنتی قزاقستانی، هدف تقویت همکاریهای روسیه و ایران در دریای خزر تغییر اوضاع ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه نیست

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس روسیه

به گزارش خبرگزاری آران به نقل از واحد مرکزی خبر، کاراخستانا با اشاره به این که با توجه به حوادث اخیر از جمله سفر دوستانه گروه کشتیهای جنگی ایران به بندر آستاراخان روسیه، گزارشهای مربوط به تمرین نظامی مشترک دو کشور و به آب اندازی ناوچه ایرانی فوق پیشرفته جماران- دو به دریای خزر برخی از نقش آفرینان منطقه به طور جدی نگران مشکل امنیت در این دریا هستند، چنین می نویسد: باکو بیش از همه ابراز نگرانی کرده و البته علت نگرانی آن کاملا مشخص است چون در میان پنج کشور حاشیه خزر جمهوری آذربایجان نخستین کشوری است که اقدام به استخراج نفت از بستر این دریا کرده و درحال حاضر باکو بزرگترین بندر آن محسوب می شود. ولی اگر اوضاع را از نزدیک بررسی کنیم متوجه می شویم مساله ای که این همه موجب نگرانی شده در واقع چیزی جز همکاری عادی دو قدرت نیست که هیچ تهدیدی برای کشورهای دیگر به شمار نمی رود. شکی نیست که دریای خزر به ویژه به خاطر مشخص نشدن وضع حقوقی و منابع آن همیشه با خطر امنیتی مواجه است. این منطقه محل تقابل منافع کشورهای اروپای غربی است که امیدوارند از طریق خط لوله فرآدریاتیک که فعلا در دست طراحی قرار دارد از آنجا انرژی به دست بیاورند. در این رابطه تقویت ایران به اصطلاح نامطلوب نگرانی کشورهای غربی و نیز ترکیه را به همراه دارد که همه تلاشهایش را به کار گرفته تا به یک کشور ترانزیت تبدیل شود.

به عقیده الکساندر سابیائین کارشناس سیاسی و مدیر اداره برنامه ریزیهای راهبردی وابسته به انجمن همکاریهای مرزی روسیه تعادل در دریای خزر می تواند به طور کامل منوط به برتری قاطع یکی از طرفین یعنی روسیه باشد. تا همین چندی پیش ناوگان دریایی روسیه به تنهایی از مجموع نیروهای دریایی همه چهار کشور دیگر ساحلی قوی تر بود ولی امنیت منطقه با توجه به ایجاد امکان به دست آوردن کشتیهای ساحلی پیشرفته در بازارهای جهانی مستلزم ضمانت بیشتر است. درست به همین دلیل گسترش همکاریهای روسیه و ایران تا حد زیادی به نفع همه کشورهای حاشیه خزر خواهد بود.

درخصوص حوادث اخیر در آستاراخان باید گفت کاردار نظامی سفارت ایران در روسیه تاکید کرده ناوگان این کشور که به این بندر سفر کرده حامل پیام صلح و دوستی برای همه کشورهای حاشیه دریای خزر است. عواملی را که بر انگیزه طرف ایرانی تأثیری گذارند می توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست اهداف تاکتیکی و نامشخص بودن وضع حقوقی دریا که مانع تقسیم حوزه نفوذ کشورهای ساحلی و در نتیجه روشن کردن اختلاف نظرهای مربوط به میادین نفتی و گازی می شود. لازم به یادآوری است که باکو و تهران چندین سال است نتوانسته اند میدان سردار جنگل را که حجم ذخایر آن به بیش از دو میلیارد بشکه می رسد بین خود تقسیم کنند. ترکیه که به خاطر منافع خاص خود در خزر با دقت اوضاع منطقه را زیر نظر دارد به کمک جمهوری آذربایجان شتافته است. دسته دوم دلایل که منافع راهبردی روسیه را هم شامل می شود تا حدودی به طرح اوراسیایی مربوط است.

کریستینا سوخايلشکو کارشناس مسائل دریای خزر و دریای سیاه معتقد است محور مسکو- تهران هرچند اصلی ترین تکیه گاه همگرایی اوراسیایی نیست می تواند یکی از مهمترین مبنای آن باشد و این بدان معنی است که همکاری روسیه و ایران در هر زمینه ای از اقتصادی گرفته تا امنیتی منوط به عوامل ژئو راهبردی و هدف آن تقویت همکاریها و همگرایی اوراسیایی است. گسترش توان تسلیحاتی کشورهای حاشیه خزر هم با چند چالش منطقه ای از جمله تروریسم، جنایات سازمان یافته، تجارت مواد مخدر، دزدی دریایی و شکار غیر قانونی در دریا مرتبط است که مبارزه با آنها بدون داشتن مبنای فنی با کیفیت و واحدهای کاملا آموزش دیده ممکن نیست. طرف روسی ایده ایجاد گروه دریایی نظامی مشترک را با شرکت همه پنج کشور ساحلی و به منظور ارتقای امنیت کشتیرانی در دریا و دفاع از تاسیسات مهم استخراجی در برابر تهدیدهای تروریستی و غیره مطرح کرده است ولی اختلاف نظرهای کشورها در خصوص مسائل راهبردی و اوضاع اقتصادی بیش از حد پیچیده منطقه امکان پیشرفت در این زمینه را نداده است. با وجود این روسیه معتقد است امنیت خزر باید به دست همه پنج کشور ساحلی تامین شود و مداخله خارجی نه تنها غیر قابل قبول و بلکه بسیار خطرناک است.

کاراخستانا در ادامه به این موضوع می پردازد که منابع دریای خزر برای چند نقش آفرین غیرمنطقه ای بی نهایت جذاب است که از طریق همکاری با کشورهای حاشیه آن به طور دائمی نفوذ خود را در منطقه افزایش می دهند.

سرگی یرماکف رئیس بخش مشکلات امنیت منطقه ای وابسته به انستیتو تحقیقات راهبردی اطمینان دارد که نیروهای خارجی که زمینه نظامی کردن و تقسیم منطقه را فراهم می سازند منافع ژئوپلیتیکی خاص خود را دنبال می کنند و احتمال خیلی زیادی وجود دارد که علت واکنش عصبی اخیر به همکاریهای نظامی ایران و روسیه این باشد که چنین اقداماتی با برنامه های برخی بازیگران خارجی از جمله آمریکا و ناتو تطابق ندارند که خواهان تحت کنترل گرفتن مسائل امنیتی دریای خزر هستند.

در نهایت این که همه تمرینات مشترک ایران و روسیه را به زحمت بتوان نظامی نامید. به عنوان نمونه در سال دوهزار و نه فقط کشتیهای وزارت حوادث غیرمترقبه روسیه در مانور مشترک در دریای خزر شرکت کردند. علاوه بر این خود تمرینات در محدوده آبهای سرزمینی ایران برگزار شد نه در دریای باز. ضمن این که سفر دو قایق موشک انداز به آستاراخان به هیچ وجه به منزله برگزار مانور نظامی نیست. می توان انتظار داشت تمرینات پاییز ایران و روسیه هم جنبه صرفا تشریفاتی داشته باشند.

در نتیجه فعالیتهای ایران و روسیه در دریای خزر پیش از هر چیز تلاشی برای ایفای نقش در امنیت منطقه است که به خاطر تهدیدهای داخلی و خارجی درحال خارج شدن از کنترل است و خطر قطع روابط بین کشورهای منطقه را در بردارد.

یک مساله برای همه کاملا روشن است: می توان در هر صورت فعال سازی همکاری های دریایی را در خزر به مسائل سیاسی نیست داد ولی تقویت نیروی دریایی پنج کشور حاشیه خزر چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی عاملی است که جلوگیری از مداخله نیروهای خارجی را در روابط داخلی آنها تضمین می کند. /ج

پایان پیام